



محمد حسنین هیکل

شما در برابر یک نقشه قرار دارید...

محمد حسنین هیکل روزنامه نگار و نویسنده مشهور مصری است. چند هفته بعد از انتخابات ایران مصاحبه ای کرد با شبکه تلویزیونی الجزیره و در آن انتخابات ایران و پیامدهای پس از آن را تحلیل کرد. آنچه می خوانید خلاصه ای است از گفتگوی او با الجزیره به نقل از نشریه فرهنگی تحلیلی راه-شماره ۴۳

حسین عبدالغنی (خبرنگار الجزیره):

خوش آمد می گویم به بینندگان این ویژه برنامه درباره اوضاع کنونی ایران و پیامدهای آن در داخل ایران، در معادلات بین الملل و مهم تر از همه پیامدهای آن بر کل منطقه عربی و نبرد اعراب با اسرائیل و نظام های حکومتی عرب که به نظر می رسد در بازی شطرنج بین المللی فقط در جایگاه تماشاچی قرار دارند. استاد هیکل به شما خوش آمد می گویم.

محمد حسنین هیکل:

سلام
عبدالغنی: در آغاز دهه پنجاه شما کتاب مشهور خود را نوشتید با نام "ایران بر فراز آتشفشان" به نظر می رسد که ایران مجدداً بر فراز آتشفشان قرار دارد ...

هیکل: بله بنده سال ها قبل کتاب "ایران بر فراز آتشفشان" را نوشته ام. در واقع من توجه بسیار زیادی به ایران و انقلاب اسلامی دارم. این اهتمام

من به ایران بخشی از اهتمام من به مصر است. ایران و مصر دو نیروی اصلی در منطقه هستند. یکی در شمال شرق است و یکی در آفریقا در لبه قاره های آفریقا و آسیا.

من در زمان مصدق در سال ۱۹۵۱ به آن جا رفتم و آن انقلاب را پوشش دادم و اولین کتابم را نوشتم که همان "ایران بر فراز آتشفشان" است. بعدها در انقلاب [حضرت امام] خمینی در سال ۱۹۸۰ به ایران رفتم و همچنین قبل از آن و پس از آن. در پاریس و قم او را دیدم و برخی از وقایع انقلاب را برای سن تایمز پوشش دادم و کتابی نوشتم که تقریباً به ۲۹ زبان چاپ شد. آمریکایی ها اسم آن را برای چاپ در آمریکا "داستانی که دیده نمی شود" گذاشتند.

آن چه که این بار در ایران رخ داد (جهت اطلاع شما می گویم) تحول بزرگی در سطح انقلاب مصدق یا در سطح انقلاب خمینی نیست. اما اکنون ما در برابر لحظه ای قرار داریم که به نظرم

برای ایران بسیار حساس است.

عبدالغنی: شما وقتی می گوید توجه به مسائل ایران در این لحظه در واقع توجه به اوضاع مصر و اوضاع کشورهای عربی است، عمق استراتژیک بزرگی به بحث می دهید.

هیکل: این توجه، توجه به امنیت منطقه است. بگذارید بگویم در ایران چه رخ داده است. هر کشوری در جهان بر پایه هایی استوار است. هر نظام اولاً بر نیرویی حقیقی تکیه دارد که عبارت است از پیشینه تاریخی آن در منطقه. نیاز دوم هر نظام این است که روی جایگاه جغرافیایی و تاریخی اش امکاناتی حقیقی مانند صنعت و کشاورزی و غیره بنا شود. نیاز سوم این است که این نظام بر اطراف خود نفوذ داشته باشد؛ چون ارزش هر کشور در عصر جدید با میزان نفوذش در داخل مرزهایش ارزیابی نمی شود؛ بلکه با تأثیرات آن در بیرون مرزها اندازه گیری می شود. در این جا معیار قدرت در جامعه و رقابت میان کشورها



به نظرم نظام با این مشکل روبه‌رو شد و آن را پیش‌بینی نمی‌کرد.

عبدالغنی: ایران حتی در دوران انقلاب اسلامی شاهد موجی از اعتراضات بود. آن چه این دفعه متمایز بود فقط طولانی بودن راهپیمایی‌ها و جمعیت هزاران نفری که در آن شرکت کردند، و مقابله خشنی که شاید در موردش مبالغه‌گویی شده نبود، ماجرای این دفعه باعث شکاف در میان نخبگان شد. همچنین در میان مجموعه روحانیون اصلی ایران، برخی از روحانیون مانند منتظری طرف موسوی و رفسنجانی را گرفتند و برخی طرف [مقام معظم] رهبری و احمدی‌نژاد را.

هیکل: در ظاهر رویدادها، این درست است ولی پایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نظام پابرجاست. قم پشت سر رهبر محکم ایستاده است. مسئله اختلافات میان افراد است. نظام انقلاب ایران هنوز تا این لحظه استوار است.

عبدالغنی: بسیار خوب، چه اتفاقی رخ داده است؟ آیا در مشروعیت نظام شکاف ایجاد شده است؟

هیکل: من می‌گویم نه. شما در مورد مشروعیت نظام صحبت می‌کنید. می‌خواهم به شما بگویم که احمدی‌نژاد با رأی اکثریت انتخاب شد که به نظرم

و اختلاف حتماً شخصی است و در نتیجه ما شاهد بودیم که احمدی‌نژاد سخنی می‌گوید علیه رفسنجانی

هیکل: بنده به چند دلیل اعتقاد دارم که می‌توان مسائل را ترمیم و از آن عبور کرد. دلیل اول این که نظام هنوز قوی است. دلیل دوم این که قدرت رهبر هنوز مورد احترام است و همه اطرافیان وی را داور می‌دانند. مسئله سوم این که هیچ جایگزینی وجود ندارد.

عبدالغنی: و فساد خانواده‌اش ...

هیکل: و فساد خانواده‌اش... علیه موسوی سخن می‌گوید و موسوی به احمدی‌نژاد پاسخ می‌دهد. به دلیل ماندن زیاد در حاکمیت، قضایا و مشکلات متراکم میان قطب‌های نظام وجود دارد و هنگامی که همه شروع به سخن گفتن کردند حقایقی فاش شد، که به نظرم بیشتر از آن بود که آنها قصد داشتند فاش شود. وقتی که دچار یک اشتباه می‌شوید اگر یک طرح برای مقابله با آن نداشته باشید در برابر یک مشکل قرار می‌گیرید. بنده

و میان قدرت‌ها است. نیاز چهارم عبارت است از شخصیت و اقتدار که از همه اینها مهم‌تر است.

به نظرم آن چه که در ایران رخ داد بر روی چهره نظام تأثیر گذاشت. چه بخواهند یا نخواهند، نظام دچار یک آبروریزی شد که به نظرم ضرورت برای آن وجود نداشت. بخش‌هایی از نفوذ ایران در منطقه تحت تأثیر قرار گرفت ولی به طور یقین آسیب ندید. خیلی آسان است که کسی بگوید که همه این‌ها توطئه‌های خارجی است و بسیار آسان است که کسی بگوید که همه این‌ها اشتباهات داخلی است. اشتباهات داخلی وجود دارد ولی ...

عبدالغنی: ولی یک سوء استفاده از آن رخ داد. **هیکل:** نمی‌توان سوء استفاده کرد مگر این که

زمینه‌ای در برابرتان باشد. طولانی شدن موجودیت باعث ایجاد اعتماد به نفس زیادی شد تا غافلگیر شوند. یک اشتباه وقتی بود که وارد انتخابات شدند. آن‌ها تمایل داشتند از شیوه‌های مدرن تقلید کنند و گفتند مناظره‌هایی مستقیم میان کاندیدها برگزار خواهند کرد. این در ذات خود بسیار خوب است. ولی در ذهن‌تان باید باقی بماند که همه این کاندیدها از فرزندان انقلاب اسلامی هستند هر چهار تا، احمدی‌نژاد و موسوی و کروبی و رضایی. قضایایی مورد اختلاف میان‌شان نیست

اقتدار و چهره آن ...
هیکل: اگر این مسائل به حال خود رها شود، اقتدار از بین می‌رود و این بر از بین رفتن نفوذ و سایر عوامل تأثیر دارد. به نظرم این امتحانی پیش روی رهبر انقلاب ایران است. اعتقاد دارم که آنها در برابر از بین رفتن اقتدار یا ضربه خوردن اقتدار قرار دارند. مسئله‌ای برای نظام به وجود آمد که می‌توان آن را طبق زبان عربی رایج عملیات آبروریزی نامید، چون جناح‌های نظام، در برابر همدیگر متخاصم به نظر می‌رسیدند و [مقام معظم] رهبری وارد عمل شد و سعی می‌کرد که مسائل حل شود. این در ذات خود بسیار خطرناک است چون [مقام معظم] رهبری وظیفه‌اش این است که داوری کند میان جریان‌ها.
عبدالغنی: و بنابراین یک جناح به نظر

می‌رسد...
هیکل: نه، من نمی‌خواهم بگویم که [مقام معظم] رهبری طرف یک جناح بودند. احمدی‌نژاد ایستاد و خانواده رفسنجانی را متهم کرد، من سخنرانی [مقام معظم] رهبری را دنبال کردم که ایستاد و از رفسنجانی دفاع کرد، راجع به خانواده‌اش صحبت نکرد؛ ولی از رفسنجانی دفاع کردند. در این جا من رییس جمهوری را می‌بینم که چیزی گفته و رهبری را می‌بینم که صحبت دیگری داشته است. رهبری در تمایزش برای بهبود بخشیدن به اوضاع راه‌حل‌های میانی اعمال کرد که جزو وظیفه‌اش نیست. چون او بالاخره یک مرجعیت عالی است. در این جا بنده تصور می‌کنم که نظام واقعا شروع به تلاش جهت بهبود بخشیدن به اوضاع کرد. ولی همیشه و همواره همه مشکلات مربوط به افراد است. محدوده‌ای برای اختلافات وجود دارد. ولی فاجعه بزرگ وقتی است که مسائل به جایی می‌رسد که عنصر شخصی در آن تأثیرگذار است.

عبدالغنی: آیا ما در برابر مرحله‌ای قرار داریم که سلسله نخبگان حاکم در ایران از هم خواهد پاشید و یا این که ما شاهد مرحله‌ای خواهیم بود که ممکن است این شکاف ترمیم شود
هیکل: بنده به چند دلیل اعتقاد دارم که می‌توان

ولایت فقیه روی نداده و زود است که گفته شود نظام جمهوری انقلاب اسلامی پایان یافته. در عین حال می‌گویید که آن چه رخ داد، ضربه زد به

بنا بر گواهی همه خبرنگاران و همه ناظران و حتی گواهی غربی‌ها و همه کسانی که در صحنه بودند، شکی بر آن نیست. این، سکوت طولانی مدت



اوباما را در مورد نتایج انتخابات توجیه می‌کند. ممکن است برخی دخالت‌ها صورت گرفته باشد ولی به طور یقین کسی مخالفت نمی‌کند با این که احمدی‌نژاد برنده بود و این که اکنون قدرت رهبری هنوز کنترل اوضاع را در دست دارد و این که این، معنایش اوضاع بسیار با ثبات نظام است؛ پیش از آن چه که ما تصور می‌کنیم. این نظام دارای دستاوردهای حقیقی است. با این شکل نمی‌توان آن را شکست داد.

عبدالغنی: یعنی شما با دیدگاه یک نویسنده آمریکایی که نوشته بود "نظام بر خطرناک‌ترین شورش که پس از تقریباً ۳۰ سال با آن روبرو شد و نتیجه دخالت زیادی احساسات در انتخابات بود پیروز خواهد شد"

هیکل: ما موافق هستیم با اینکه کسی تردید نکرد در پیروزی احمدی‌نژاد.

عبدالغنی: شما می‌گویید که شکاف جدید در مشروعیت نظام به وجود نیامده، خللی در نظام





تهران پیدا شد علیه چه کسانی بود؟ (می دانم که جوانان زیادی در ایران وجود دارند که مجذوب عصر مدرن و ابزارهایش هستند و هیچ اطلاعی از تاریخ ندارند و با تاریخ اصلا کاری ندارند. الگوی آمریکایی شاید برای آن ها جذاب باشد، ولی آن چه رخ داده این بود که از همه این ابزارها سوء استفاده شد) این بسیار توجه برانگیز است که چند روز قبل از انتخابات در سایت تویتز دهها هزار صفحه بوجود آمد. در روز رأی گیری فعال شدند. در روز انتخابات ۱۸ هزار سایت تویتز فعال شد. تویتز یک ابزار تماس است ولی با ابزارهای دیگر متفاوت است. ابزار تویتز، ایمیل نیست پیامی نیست که از طرف شخصی به شخصی ارسال می شود. این یک پیام باز است و هر کس که بخواهد آن را دریافت می کند. یک پیام کوتاه است. جوانان خیلی وقت است که این شیوه را به کار می برند و محدودیت آن این است که نمی توانید بیش از تقریباً ۱۰۰ کلمه برای کسی پیام بفرستید. مشکل آن این است که نمی توانید کسی را که پیمان فرستاده شناسایی کنید. من میگویم اکثرشان از طرف اسرائیل است ولی نمی توانید بدانید از چه کسی است: ”به راهپیمایی بروید، ما الان در یک راهپیمایی هستیم“ صد نفر کشته شده اند.“ شما در برابر یک وضعیت سوء استفاده

هیکل : عملیات زیر سوال بردن نتیجه انتخابات حتی قبل از این که نتایج اعلام شود، شروع شد

که چه رخ داد. فراموش می کنیم که **کنگره یک اعتبار مالی به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار به رییس جمهور آمریکا می دهد (و این اعتبار با رقمی کمتر در سالهای بعد هم تخصیص یافت)**. تا در ایران بی ثباتی ایجاد شود. شما در برابر یک نقشه قرار دارید ... می خواهید من چه بگویم؟ **بگویم که این توطئه نیست؟ کشوری می خواهد یک نظام را ساقط کند. با همه ابزارها علیه وی می جنگند. بنده در این جا روزی که او با ما انتخاب شد با استاد کریشان صحبت می کردم. گفتم به احتمال زیاد حمله ای صورت نخواهد گرفت ولی تلاش برای تغییر نظام ایران وجود دارد. چون آمریکا می خواهد از شر نظامی که با وی مخالف است رها شود**

بیا باید یک مسئله بسیار عجیب را با هم بررسی کنیم. آن پدیده ”تویتز“ است. تویتز یک شرکت اینترنتی جدیدی است که مانند گوگل ابزار ارتباطات ایجاد می کند. خیلی عجیب بود. عملیات زیر سوال بردن نتیجه انتخابات حتی قبل از این که نتایج اعلام شود، شروع شد. به بنده بگویید که تابلوهایی که یک دفعه به زبان انگلیسی در

مسائل را ترمیم و از آن عبور کرد. دلیل اول این که نظام هنوز قوی است. دلیل دوم این که قدرت رهبر هنوز مورد احترام است و همه اطرافیان وی را داور می دانند. مسئله سوم این که هیچ جایگزینی وجود ندارد.

از مسائلی که به نظر شاید نظام انقلاب ایران خوب به آن توجه نکرد این است که در ایران یک طبقه بورژوازی اشرافی و یک طبقه متوسط و یا طبقه ای شبه آریستوکراسی است وجود دارد. بنده خیلی خوب افراد این طبقه را می شناسم و می دانم که وجود تأثیر گذاری در جهان خارج در زمینه فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دارند.

با این حال تصور می کنم که نظام تحت تهدید نیست. گاهی فراموش می کنم که این کشور کشوری است که به لحاظ امنیت در معرض تهدید است. این کشور دو حکومت و دو ارتش دارد. شما حکومت [مقام معظم] رهبری و حکومت دولت را دارید. شما سپاه انقلاب و ارتش کشور را دارید. **شما در مورد نظامی سخن می گوئید که بسیار قوی است و این زلزله ها در آن اثر ندارد.**

پس از آن که [مقام معظم] رهبری بعد از انتخابات سخنرانی کرد صدای راهپیمایی ها در خیابانها کاهش یافت. آن چه بعد از آن مشاهده کردیم تحرکات بسیار کوچک و محدودی است مخصوصاً در شمال تهران جایی که طبقه متوسط سکونت ندارند.

عبدالغنی: حجم تحریک غربی ها در این بحران چقدر است. آیا همان گونه که رهبران نظام گفته اند که راهپیمایی کنندگان در خیابانهای تهران از طرف تلوزیون انگلیس و CIA و غیره که آنها را بازپچه خود قرار می دادند تحریک شده اند؟

هیکل: من فکر می کنم که موضوع خیلی بزرگ تر از این است. بیایید فکر کنیم. ما حافظه کوتاهی داریم. تصاویر تلوزیونی ما را می گیرد و همه پیش زمینه ها را فراموش می کنیم. فراموش می کنیم که قبل از جنگ عراق زمانی که بوش به قدرت رسید، محور شرارت اعلام کرد. عراق را در محور آن قرار دادند و سوریه را برداشتند و کره شمالی را در آن گنجانند و ایران را هم وارد آن محور کردند.

از همان اوایل که رژیم شاه سقوط کرد ایالات متحده آمریکا اقدام به دشمنی با این نظام نمود. ما دشمنی را سخ علیه سیاست آمریکا در ایران را که از زمان مصدق وجود داشت فراموش می کنیم. فراموش می کنیم که آمریکا در ایران چه کرد. آمریکا و انگلیس را فراموش می کنیم که در ایران در انقلاب مصدق چه کردند. بعد وارد بحران گروگان ها شدیم. بعد ماجرای محاصره و بلوکه کردن دارایی های ایران شدیم. یک دشمنی روشن و صریح داریم. ما سال ۲۰۰۶ را فراموش می کنیم

که در موضع [مقام معظم] رهبری شاهد آن بودیم. همه انتظار داشتند که عقب‌نشینی کنند و یا حداقل جانب احتیاط را بگیرد. اما او تصمیم میانی نگرفت و ایستاد. ایران عقب‌نشینی نکرد. اگر شروع به عقب‌نشینی کند دیگر پایانی برای آن وجود ندارد. **ایران پیشرفته‌تر خواهد شد.**

عبدالغنی: آیا شما اعتقاد دارید که تضعیف و یا تلاش برای تضعیف ایران در این بحران برای کمک به سناریوی حل و فصل سیاسی مناقشه خاورمیانه بویژه درباره فلسطین است؟ آیا معتقدید ایران و دوستان و هم‌پیمانانش نخواهند توانست با اجحاف در حق فلسطینی‌ها در روند حل و فصل مسئله فلسطین مقابله کنند؟

هیکل: ایران و هم‌پیمانانش با حل و فصل این قضیه در صورتی که با اجحاف به فلسطینی‌ها همراه باشد مخالفت خواهند کرد.

عبدالغنی: یعنی در روند حل و فصل ماجرای خاورمیانه در صورتی که همراه با اجحاف به مردم فلسطین باشد، مانع تراشی خواهند کرد.

هیکل: یک مسئله به شما بگویم. حل و فصل نهایی ماجرای فلسطین غیر ممکن است؛ چه مداخله ایران باشد چه نباشد. فلسطینیان در فلسطین حضور دارند. در کشورهای اطراف فلسطین حضور دارند. قضیه، قضیه ملتی است که سرزمینی دارد در حال گم شدن. با ایران و بدون ایران برای این‌ها راه حل پیدا نمی‌شود. خواهید دید که تلاش‌هایی جهت اعمال برخی مسائل انجام خواهد شد و وارد مرحله‌ای بسیار سخت خواهیم شد. ولی من اعتقاد دارم که آن چه راه حل و فصل نهایی می‌ماند جز با نسل‌کشی ملت فلسطین امکان تحقق ندارد.

عبدالغنی: آیا آنچه که شاهدش خواهیم بود یک کشمکش برای در دست گرفتن رهبری منطقه خاورمیانه میان ایران و اسرائیل خواهد بود؟

هیکل: قصه رهبری را فراموش کنید. موضوع رهبری مربوط به یکه تازی است. قدرت‌ها همه رقابت می‌کنند تا در صحنه حضور داشته باشند. دیگر نمی‌توان به تنهایی رهبری کرد. **می‌خواهم به شما بگویم که حقیقت بزرگ این است که ما باید از اسرائیل سبقت بگیریم جهت رسیدن به ایران. ما باید از آمریکا سبقت بگیریم جهت رسیدن به ایران. چون این عنصر بسیار مهم است در معادله استراتژی و انسانی و فرهنگی و امنیتی در این منطقه.**

عبدالغنی: یعنی نگاه کسانی که در جهان عرب از اوضاع ایران ابراز خشنودی کردند اشتباه بود ...

هیکل: من نمی‌دانم صاحب منصبان عرب مانند من فکر می‌کنند یا نه، ولی به هر حال معتقدم هر کس نسبت به اوضاع ایران ابراز خشنودی کند، خود را در طرف اشتباه قرار داده است. ■

برسند. بزرگ‌ترین خسارت که اسرائیل دچار آن شده روی کار آمدن نظام انقلاب اسلامی بود. نظام انقلاب اسلامی شاه را، یک هم‌پیمان قوی را از اسرائیل گرفت. اسرائیل با همه ابزارهایش به وی کمک می‌کرد. امکاناتی که در اسرائیل وجود داشت برای ایران شاه غیر محدود بود. اسرائیل می‌خواهد جایگاه خود را در ایران بازپس بگیرد.

الان یک مسئله خیلی عجیب رخ داده است. ما زمانی علیه شاه، به دلیل طرفداری‌اش از اسرائیل و آمریکا، مقاومت می‌کردیم و انقلابیون ایران را تشویق و آرزو می‌کردیم که نزد ما بیایند. اما هنگامی که نزد ما آمدند ما تغییر مسیر دادیم و آن‌ها را رها کردیم که با اسرائیل دشمنی کنند و ما دنبال کار دیگری رفتیم ...

عبدالغنی: شما در سخنانتان اشاره کردید که نقش منطقه‌ای ایران شاید مقداری به دلیل تنش یا اعتراضاتی که رخ می‌دهد، تحت تأثیر قرار گیرد ...

هیکل (قطع می‌کند): نه، گفتم نفوذ تحت تأثیر قرار می‌گیرد ...

عبدالغنی: در همین بحث نفوذ، آیا روابط مستحکم با سوریه و حزب‌الله و حماس و جهاد در فلسطین و نفوذ بزرگان در اوضاع عراق کاهش خواهد یافت؟ مخصوصاً این که شاید ایران مقداری به درون خود باز گردد تا این که شکاف پدید آمده

هیکل: [مقام معظم] رهبری می‌توانست عقب‌نشینی کند یا موضع ملایم بگیرد ولی ایشان موضع قاطع گرفت چون هنگامی که نظام مورد تهدید قرار بگیرد، محکم می‌ایستند. این همان چیزی است که در موضع [مقام معظم] رهبری شاهد آن بودیم. همه انتظار داشتند که عقب‌نشینی کنند و یا حداقل جانب احتیاط را بگیرد. اما او تصمیم میانی نگرفت و ایستاد. ایران عقب‌نشینی نکرد. اگر شروع به عقب‌نشینی کند دیگر پایانی برای آن وجود ندارد.

در میان نخبگان را ترمیم نماید.

هیکل: نه هر کس که به درون خود باز گردد عقب نشینی می‌کند. من اعتقاد دارم که نظام ایران در بعد یاری رساندن به عوامل قدرت و نفوذ خود در خارج قوی‌تر و قدرتمندتر باقی خواهد ماند. سخنان [مقام معظم] رهبری را ملاحظه کنید. [مقام معظم] رهبری می‌توانست عقب‌نشینی کند یا موضع ملایم بگیرد ولی ایشان موضع قاطع گرفت چون هنگامی که نظام مورد تهدید قرار بگیرد، محکم می‌ایستند. این همان چیزی است



از فضای اینترنت هستید. از موضع‌گیری‌ها سوء استفاده و آتشی شعله ور می‌شود.

من جزو کسانی هستم که خیلی غمگین می‌شوند اگر یک نظام مجبور شود جهت محافظت از خود گلوله شلیک کند ...

عبدالغنی: به سوی شهروندانش ...

هیکل: درون خیابان‌های کشورش. هنگامی که نظام به این مرحله برسد که چنین کند هر چند که درجه ضرورت باشد، بنده احساس می‌کنم که وارد بحران شده است. انشاءالله که این چنین نباشد چون هیچ نظامی نمی‌تواند به خود اجازه دهد در خیابان‌های کشورش، گلوله شلیک کند. ولی من این وضع را درک می‌کنم. می‌دانم که اکثریت مردم موافق نظام هستند که آنها در محافظت از امنیت کشور مجبور شده‌اند که کارهایی انجام دهند که مطابق میل آن‌ها و جزو اهدافشان نبوده است.

در حال حاضر نبردی علیه ایران وجود دارد. من کاری به نظام‌های حکومتی کشورهای عربی ندارم ولی می‌خواهم درباره کسانی صحبت کنم که ... عبدالغنی (قطع می‌کند): از اوضاع کنونی ایران ابراز خشنودی کردند ...

هیکل: بله. یک نبرد علیه ایران در حال شکل‌گیری است. آمریکایی‌ها و مهم‌تر از آنها اسرائیلی‌ها سعی خواهند کرد که به هدفشان



مگر می شود "داماد لرستان" رای نیاورد؟!

گفتگوی تاریخی دکتر زهرا رهنورد با شبکه ماهواره ای BBC

اشاره: آنچه در زیر می خوانید متن کامل گفت و گوی تلویزیون فارسی بی بی سی است با زهرا رهنورد همسر میرحسین موسوی درباره نخستین بیانیه ستاد موسوی درباره تقلب در انتخابات. مصاحبه سراسر خواندنی است اما پاسخ او هنگامی که مجری از او می خواهد دلایلش درباره تقلب را توضیح دهد، چیز دیگری است. این پاسخ او قطعاً در تاریخ روشنفکری ایران به عنوان یکی از ماندگارترین مواضع روشنفکران در قبال فهم مردم باقی خواهد ماند. این مصاحبه زنده تلفنی در بیست و سوم تیر یک روز بعد از انتخابات ساعت ۱۵ از تلویزیون فارسی بی بی سی پخش شده است. می توانید تصور کنید که اگر احمدی نژاد گفته بود من داماد فلان استان هستم پس باید در آن استان رای اول را بیاورم، چه بر سر او و کسانی که به او رای دادند می آوردند؟

طوری به صحنه بیایند که این مشکل برایشان به وجود بیاید، ما می خواهیم آرامش و امنیتشان کاملاً حفظ باشد. از سوی دیگر مردم دلشان می خواهد که موسوی به آنها بگوید که چقدر از این وضع ناراحت است و چقدر به آرای آنها احترام می گذارد و از اینکه به آرای آنها از سوی وزارت کشور احترام گذاشته نشده بسیار متاثر است. از سوی دیگر نقطه نظرهای خاص دیگری [هست] که به هر صورت موسوی یک فرد اپوزیسیون نیست بلکه یک فرد درون نظام است.

مجری: خانم رهنورد اشاره کردید به اینکه رای

انتخابات حضور داشتیم. نتیجه آرا کاملاً عکس آن چیزی است که واقعیت دارد. یعنی در واقع نسبت رای موسوی به احمدی نژاد چهار به یک است. در تمام نقاطی که من رفتم تقریباً همین حالت بود و نتیجه انتخابات چیزی برعکس را ارائه می دهد. به نظر می آید اصلاً یک پروژه از پیش تعیین شده باشد. البته به نظر من آن چیزی که آقای موسوی اعلام می کند به هر صورت ایشان مشکلاتی دارد. **از سویی نمی خواهد که مردم خدای نکرده درگیر شوند و تیر به روی آنها گشوده شود.** این حساسیت خیلی زیادی است که همه ما داریم و نمی خواهیم مردم

مجری: همکارانم به من می گویند که خانم زهرا رهنورد با ما هستند. ارتباط مستقیم تلفنی داریم با تهران. زهرا رهنورد مشاور میرحسین موسوی پشت خط تلفن هستند. خانم رهنورد ما ساعتی پیش بیانیه ای را داشتیم از طرف ستاد آقای میرحسین موسوی خطاب به ملت ایران و در آن اشاره شده است که آقای میرحسین موسوی نتیجه انتخابات را نمی پذیرد. اقداماتی که ایشان خواهند داشت چه خواهد بود؟

من زهرا رهنورد هستم. استاد دانشگاه تهران و همسر میرحسین موسوی که در کنار او در تمام مراحل

چه هست حالا چه در باب افشای این روند و همین طور احیانا تغییرش؟

ببینید الان من دسترسی به آقای موسوی ندارم چون در یک جلسه بسیار مهمی است. باید بیاید و ببینم. اما چیزی که می‌توانم بگویم خطاب به مردم عزیز ایران است. مردم عزیز ایران موسوی و رهنورد که فدایی هفتاد میلیون نفر، خودش را می‌داند در کنار شما هستیم. با شما هستیم. می‌دانیم که با رای شما بازی شده است. این اهانتی را که به شما شده فراموش نمی‌کنیم و سعی می‌کنیم با همدیگر مشکل را حل کنیم یا افشا کنیم که چه اقداماتی و چه روش‌های غلطی در این رابطه به کار رفته.

مجری: گفتید آقای موسوی الان در یک جلسه بسیار مهم به سر می‌برند. می‌توانم بپرسم که این جلسه با حضور چه کسانی دارد برگزار می‌شود. اجازه بدهید همانطوری که خودشان گفتند رازها را افشا می‌کنند این هم جزو رازها باشد تا بعد افشا شود.

مجری: خانم رهنورد ما خبرهایی را داشتیم مبنی بر اینکه آقای موسوی و همینطور دیگر نامزدها آقایان کروی و رضایی درخواست دیدار با رهبری را کردند. آیا این صحت دارد و آیا واکنش یا به اصطلاح پاسخی از طرف دفتر رهبری داده شده به این درخواست؟

هنوز تا این لحظه پاسخی داده نشده ولی شاید بعد دوباره اقدام کنند و پاسخ را بگیرند. امیدوارم که به هر صورت مردم ما باور کنند که ما از این انتخابات سرشار از تقلب بیزاریم و همه ما در کنار هم هستیم تا ببینیم که چگونه می‌شود وضع را به حالت بهتری برگردانند.

مجری: پس اصل درخواست دیدار آقای موسوی از رهبری ایران صحت دارد. من می‌خواهم بدانم که آقای موسوی بنا دارند چه صحبتی را با رهبر ایران داشته باشند و چه درخواست‌هایی را می‌خواهند مطرح کنند؟

اینها را جزو رازهایی که ایشان گفته در نظر بگیرید و اینکه ایشان هم جزو تیمی بوده است که درخواست ملاقات کرده من تا این لحظه این را نمی‌دانم و اطلاعی ندارم تقاضای ملاقات داشته یا نه.

مجری: خانم رهنورد در بیانیه آقای موسوی در بخشی از آن آمده که به مسئولان توصیه می‌کنم پیش از آنکه دیر شود این روند را فوراً متوقف کنند. من می‌خواهم بدانم این مسئولان کی‌ها هستند. چون به هر حال انتخابات را وزارت کشور برگزار کرده شمارش آرا هم در وزارت کشور دارد انجام می‌شود و آقای موسوی از همین روند شکایت دارند. منتهی آن مسئولانی که ایشان می‌خواهند رسیدگی کنند کی‌ها هستند؟

به هر صورت حداقل می‌دانیم که وزارت کشور و شخص آقای احمدی نژاد مورد نظرشان بودند. قطعاً

نمی‌دانم چه روش‌هایی را به کار بردند و این آمار بسیار غلط و نامعقول را دادند که به هیچ وجه نه مردم ما قبول کردند و نه آقای موسوی و نه من که به عنوان همسر ایشان و در عین حال یک مبارز در کنار ایشان حضور داشتیم، این را نمی‌توانم قبول کنم. حالا باید دید که بعد از این آقای موسوی چه برنامه‌ای خواهد داشت.

مجری: خانم رهنورد اتفاقاً من سوالم راجع به همین است. آقای موسوی در بیانیه خودشان می‌گویند که به افشای رازهای پشت سر این روند مخاطره آمیز خواهند پرداخت. من می‌خواهم بدانم واقعا اقدامات عملی که ایشان بنا دارند انجام بدهند

رهنورد: آذربایجان و ترک زبان‌ها هیچ وقت فرزند خودشان را نمی‌گذارند که به کس دیگری رای بدهند. یا لرستان که خود من لر هستم و موسوی هم بارها گفته که من داماد لرستان هستم، موسوی را نمی‌گذارند که به آقای احمدی نژاد رای بدهند. این دو تا برای ما ملاک این است، باقی موارد هم شبیه به همین است!



آقای موسوی بر اساس برآوردهای شما چهار به یک بوده است در قیاس با آقای احمدی نژاد. مستندات شما چه هست در ارتباط با اینکه احیانا در نحوه شمارش آرا تخلفات یا تقلبی صورت گرفته؟

ببینید به شکل‌های مختلف البته این مسئله پیش آمده است. در شهرستان‌ها و تهران در واقع تجمع مردم حاکی از این بود که آرای موسوی بسیار بالاتر از آن است که اصلاً قابل تصور باشد. هر وقت طرفداران دو طرف حاضر می‌شدند طرفداران احمدی نژاد در حد یک صدم بودند در مقابل طرفداران موسوی. همچنین در شهرستانهایی که برای سخنرانی در کنار ایشان قرار داشتیم این را می‌دیدم. اینها تحلیل‌های من است. ولی اقداماتی انجام شد مثلاً اول صبح به طور سنتی آنهایی که به احمدی نژاد رای می‌دهند همه می‌شناسند که چه تیپ خاصی هستند. رفتند و رای خودشان را دادند و از ساعت یازده تعرفه‌ها در دست مردم قرار نگرفت و مردم له له می‌زدند برای اینکه تعرفه پهنشان داده بشود. حتی تا یازده و نیم و دوازده شب هم پشت در ستاد و محل‌های انتخابات جمع شده بودند و گاهی درهای روی شان بسته شده بود. به هر صورت تعرفه در اختیارشان قرار نمی‌گرفت. یعنی یک تمهید در اختیار قرار ندادن تعرفه بود.

مجری: خانم رهنورد بیانیه آقای موسوی به هر حال بیانگر این هست که ایشان نتیجه را نمی‌پذیرد ولی می‌خواستیم بدانم وقتی که اولین نتایج را شنیدند اولین واکنش ایشان چه بود؟

واکنش اولیه ایشان همانطوری که متوجه هستید فوری یک بیانیه کوتاهی دادند که ما به هیچ وجه این مسئله را قبول نمی‌کنیم و دنبال می‌کنیم. بعدش هم یک مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران خارجی و داخلی گذاشتند و این مطلب را اعلام کردند که آنچه را که حاصل جمع بندی انتخابات فعلی است از نظر من کاملاً نامعقول و غیرقابل قبول است. این حرف ایشان بود در ساعت نزدیک به یازده که قدم به قدم مواجه می‌شدند با اطلاعات غلطی که دارد ارائه می‌شود. از صبح هم مرتب اطلاعاتی که در اختیار ما قرار می‌گرفت اغلب چهار به یک بود. به خصوص یک سری نقاطی هستند که اصلاً مشخص است که خودش ملاک تشخیص نادرست بودن این مطلب وزارت کشور است. مثلاً آذربایجان و ترک زبان‌ها هیچ وقت فرزند خودشان را نمی‌گذارند که به کس دیگری رای بدهند. یا لرستان که خود من لر هستم و موسوی هم بارها گفته که من داماد لرستان هستم، موسوی را نمی‌گذارند که به آقای احمدی نژاد رای بدهند. این دو تا برای ما ملاک است، باقی موارد هم شبیه به همین است ضمن اینکه مرتب هم گزارش می‌شد حتی چهار و نیم به یک بود نسبت‌های موسوی به احمدی نژاد. با یک ترتیبی که خودشان می‌دانند البته من دقیقاً



اینها بودند.

مجری: من یک سوال دیگر داشتم مبنی بر اینکه شما فکر می‌کنید این روند که دارد انجام می‌شود و شما اعتراض دارید به آن آیا صرفاً در وزارت کشور انجام می‌شود و مدیریت می‌شود یا اینکه در جاهای دیگری هم ریشه و عقبه دارد؟

ببینید وزارت کشور که از دولت جدا نیست، ما باید این دو تا را در کنار هم ببینیم، دولت در واقع دستور می‌دهد و وزارت کشور هم عمل می‌کند. من اینها را در یک مجموعه می‌بینم. از دولت، هم شخص آقای احمدی نژاد مورد نظرم هست و در واقع از اذنان که در وزارت کشور تجمع پیدا کردند.

مجری: خانم رهنورد من یک سوال دیگر دارم مبنی بر اینکه که دیروز هم آقای موسوی نامه‌ای

را نوشته بودند خطاب به رهبری و در آن خواستار رسیدگی به تخلفات‌هایی شده بودند که در آن نامه اشاره شده بود. مسائلی از قبیل جلوگیری از حضور نماینده‌های آقای موسوی سر صندوق‌ها، آیا احیاناً پاسخی به آن نامه از طرف رهبری داده شد؟

هنوز پاسخی داده نشده ولی ظاهر تلویزیون اعلام کرد که مقام معظم رهبری صحبتی مهم را خواهند داشت برای این مورد انتخابات. آنچه که مهم است اینکه واقعا وزارت کشور غیربی طرفانه عمل کرد و متأسفانه به بخش عظیمی شاید بشود گفت نزدیک به چهارصد - پانصد نفر از ناظرین ستاد آقای موسوی اجازه داده نشد [سر صندوق حاضر شوند] و نقص مدارک را بهانه کرده بودند. البته فقط این مسئله نیست، بلکه ما نمی‌دانیم چگونه با صندوق‌ها عمل

شده و رای‌ها چگونه دست برده شده. فقط می‌دانیم نسبت رای آقای موسوی و احمدی نژاد چهار به یک بوده. یا در جاهای دیگر ممکن است مثلاً سه به یک و نیم بوده باشد. ما هرگز در این سالها جز در انقلاب کبیر اسلامی این دمنستراسیون را از مردم خوبمان ندیده بودیم که اینگونه سبزگونه در صحنه حاضر باشند و به امید یک دولت سبز زندگی آینده خودشان را طراحی کنند و این پوزخند زدن به مردم ما هرگز فراموش نمی‌شود. ■

منبع:

دهمین انتخابات ریاست جمهوری - راه: ۱۲+۳۰ - تیر و شهریور ۱۳۸۸

کلام آخر

■ در انتهای نوشتار پیش روی، می توان چنین جمع بندی و نتیجه گیری نمود که بدخواهان ملت ایران طی یک سری اقدامات طراحی شده جهت کاستن از حلاوت وفاداری ۴۰ میلیون ایرانی به نظام اسلامی وارد عمل شدند و متأسفانه جریانی تحت عنوان اصلاحات نیز صرفاً بخاطر عدم تأمین منافع حزبی خویش و با عدم پذیرش نتیجه انتخابات، در راستای قربانی کردن منافع ملی و مصالح کشور به همراهی با دشمنان انقلاب اسلامی پرداختند. نظریه پردازان این جریان هر چند تلاش نمودند تا اقدامات پس از انتخابات را تابع شرایط روز و بدون برنامه ریزی قلمداد نمایند تا از این طریق، دولت و مجریان انتخابات را مقصر حوادث نشان دهند اما رهبر معظم انقلاب اسلامی در تحلیلی از وقایع تلخ پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری، آن را واقعی از پیش طراحی شده ارزیابی نموده و تأکید فرمودند:

«تردیدی وجود ندارد که جریانات پس از انتخابات چه مسئولان و پیشقراولان آن بدانند و چه ندانند، جریانی حساب شده بود.»^(۱)

این اتفاقات تلخ و برنامه ریزی شده از جهت بسیاری با تئوری انقلاب های رنگی شباهت دارد تا جائیکه می توان آنرا سناریوی کودتای سبز و حلقه ای از جنگ نرم غرب برضد انقلاب اسلامی ایران ارزیابی نمود.

گستاخی های جریان فتنه بدانجا رسید که ۱۷ بیانیه رنگین و ساختار شکن را جهت تحریک و انحراف افکار عمومی و بویژه جوانان صادر و با این اقدام، افراد و گروه های بسیاری را با تفکرات مختلف به دور خود جمع نمودند.

ما پیشماریم!!!

(برنامه های شلوغ کاری)

۱۳ آبان

۱۶ آذر

روز قمرس

۰۵۹۲۳



آخرین حرکتی که از سوی عناصر ضدانقلاب مشاهده گردید، تولد اتاق فکر جنبش سبز بر مبنای الگوی بازسازی شده حلقه کبان در خارج از کشور و نه در داخل، برای پشتیبانی فکری جریان معارض بود که همین مطلب، نکاتی را به ذهن متبادر می سازد که در ادامه به آن اشاره می شود:

۱. در خصوص استفاده یا عدم استفاده از نظرات این اتاق فکر توسط جریان سبز اموی می توان چنین بیان داشت که اگر جریان مذکور پس از تشکیل حلقه ی فکر و اعلام عنوان اتاق فکر جنبش سبز توسط ۵ نفر عضو آن، سران فتنه از آن بیزاری می جستند، هیچ ایراد و اعتراضی بر آنان مترتب نبود. حال آنکه سید محمد خاتمی، میر حسین موسوی و مهدی کروبی به عنوان رهبران داخلی جنبش سبز، عکس العملی نسبت به تشکیل آن نداشته و اعلام برائت نمودند. پس وابستگی مجریان منافق نمای براندازی نرم به اتاق فکر لندن قطعی و هیچ شک و شبهه ای بدان وارد نمی باشد.

۲. از یک طرف، حلقه ۵ نفره اتاق فکر وابستگی مالی و فکری شدیدی به سازمان های جاسوسی و نهادهای برانداز غرب دارند. از طرف دیگر، جنبش سبز به خط دهی های اتاق فکر لندن نشین تعلق استراتژیکی دارد. پس طبق یک قاعده در علم ریاضی (۲)، جریان فتنه به الگوها و توصیه های سازمان ها و نهادهای اروپایی و امریکایی که با هدف فروپاشی نظام های معارض با استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل تشکیل شده اند، عمل و اقدام می کند.

۳. سوابق سیاه اکبر گنجی، عبدالکریم سروش، عبدالعلی بازرگان، عطاءاله مهاجرانی و محسن کدیور در مرام فکری، تعرض به مقدسات دینی و ملی و هم چنین وطن فروشی آنان، ما را هر چه بیشتر با ماهیت اصلی جریان موسوم به سبز آشنا می کند.

از موارد سه گانه فوق می توان چنین نتیجه گیری کرد که آینده ی جریان سبز اموی مشخص بوده و احتمال می رود که این جریان با برنامه ریزی های دیگری، دست به اقدامات و تحرکاتی شدیدتر از حوادث پس از انتخابات ۲۲ خرداد در ابعادی گسترده تر و با تاکتیک ائتلاف یا تمامی جریانات فکری و استفاده از آنان، بزند. که این مهم نیز، هوشیاری روزافزون همه دلسوزان انقلاب اسلامی و بصیرت و حضور در صحنه ی ملت بزرگوار ایران را می طلبد.

بی شک توطئه هایی از این دست همچون توطئه های ۳۱ ساله آمریکا و هم پیمانان اروپایی و خاورمیانه ای اش برضد جمهوری اسلامی ایران، با عنایات ویژه حضرت ولی عصر ارواحنا له الفدا خنثی و نقش بر آب خواهد شد.

انشاءالله

منابع:

۱. مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و نخبگان علمی، ۸/۴/۸۸
۲. A زیر مجموعه B، B زیر مجموعه C، نتیجه می شود: A زیر مجموعه C

Nestlé با خرید هریک از بسته های
خون مسلمانان فلسطینی را
بنوشید!



Boycott Nestle



Think Tank
of London
for the Green
Movements